

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۳، شماره ۴۷، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۷۹ تا ۲۰۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۳، تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۱۴

(مقاله پژوهشی)

تحلیل محتوای باور به معاد در شعرهای آزاد مهدی اخوان ثالث

معصومه سادات میرجعفری^۱، دکتر علیرضا فولادی^۲



چکیده

مهدی اخوان ثالث، شاعر نوگرای معاصر، در بحبوحه نفوذ فرهنگ غربی، کوشید به فرهنگ ایرانی توجه نشان دهد و برای این منظور، آیین التقاطی و مبهم و خیالی مزدستی را از تلفیق گرایش فردی و خیرخواهانه زردشت و گرایش اجتماعی و عدالت خواهانه مزدک پدید آورد. مقاله حاضر سعی داشته است با کاربرد روش توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل محتوا به این پرسش پاسخ گوید که آیا اخوان در باور به معاد، تا حد معادباوری ایرانیان باستان پیش رفته است؟ بر پایه دیدگاه پژوهشگران، مزدک از جهت اصول دین، پیرو آیین زردشت بوده است و در این آیین، برزخ و داوری فردی و چینودیل یا همان صراط و بهشت و دوزخ و داوری جمعی و کیفر نهایی گناهکاران برای رهایی آنان از کدورت گناه و سرانجام، فرشکرد، طرحی روشن دارد. این مقاله، سرانجام نتیجه می گیرد که ضمن ۱۵۳ شعر نیمایی و ۵ شعر سپید و جمعاً ۱۵۸ شعر آزاد اخوان، ۵۹ بار در ۵۰ جزء شعر و ۴ بار در ۴ کل شعر و جمعاً ۶۳ بار در ۳۳ شعر به موضوع معاد برمی خوریم و درصد شعرهای دارای موضوع معاد به نسبت شعرهای آزاد این شاعر، ۲۰/۸۸ است. با این حال، نگاه او به معاد، ضمن شعرهای آزاد وی، بیشتر نگاه دنیوی و گاه تشکیک آمیز و حتی تکذیب آمیز است و بنابراین با معادباوری ایرانیان باستان میانه ندارد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، شعر معاصر فارسی، مهدی اخوان ثالث، شعر آزاد، معاد.

^۱ . دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. m.mirjafare@gmail.com.

^۲ . دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول). fouladi@mail.kashanu.ac.ir

مقدمه

نفوذ فرهنگ غربی در ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی و ناباوری برخی شاعران این دوره به معاد، تحت تأثیر فرهنگ بیگانه، قابل انکار نیست. از سوی دیگر، بیشتر زیست شاعرانه مهدی اخوان ثالث (۱۳۱۰-۱۳۶۹ش) در دوره حکومت پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش) گذشته است و این دوره، دوره گسترش نفوذ فرهنگ غربی بود. شاید در این شرایط، دشوارترین کار، اندیشیدن به دین باشد، اما اخوان کوشید یک دین التقاطی و مبهم با نام «دین مزدشتی» پدید آورد. این گرایش او، حتی در نام یک کتاب وی، «از این اوستا»، آشکار است. دین ساختگی مزدشتی، با تلفیق گرایش فردی و خیرخواهانه زردشت و گرایش اجتماعی و عدالت‌خواهانه مزدک پدید آمده است، تا جایی که اخوان خود را «مغ‌آیین مسلمان‌زاده غمگین» می‌نامد و مزدشت خیالی خویش را «ستایشگر آزادی و داد» می‌خواند. بر این پایه، جا دارد واقعیت پایبندی او را به اصول این دین مورد واکاوی قرار دهیم. نام کتابی دیگر از وی، «دوزخ اما سرد»، موجبات تحدید بحث به موضوع معاد را در این باره فراهم آورده است.

پیشینه پژوهش

در کتاب «با چراغ و آینه؛ در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۵۵۰-۵۵۳)، مختصری راجع به تناقض‌های درونی اخوان و سیر او میان جوانب اعتقادی متعارض و اثرپذیری عمیقش از خیام آمده است. در مقاله «بررسی مؤلفه‌های اعتقادی در اشعار مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو از دریچه نظریه بینامتنیت» (بادلو و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۱-۷۲)، با مطالعه تأثیر قرآن و حدیث بر شعر این دو شاعر مواجهیم و بخش اصلی مقاله به گزارش صرف اقتباسات آنان از آیات و روایات می‌گذرد. با این همه، هیچ‌کدام از منابع پیشین، موضوع معاد را در شعرهای آزاد اخوان مورد توجه قرار نداده‌اند؛ کاری که پژوهش حاضر به آن می‌پردازد.

روش پژوهش

این پژوهش به اقتضای موضوع آن، با روش توصیفی-تحلیلی از رهگذر تحلیل محتوا

پیش می‌رود. یک بخش کار، به مبانی نظری پژوهش، یعنی معرفی تحلیل محتوا اختصاص یافته است. این معرفی از آن رو مهم است که پژوهشگران ادبی تا کنون کمتر به شناخت دقیق تحلیل محتوا توجه نشان داده‌اند. پس از آن، چندوچون و روند باور به معاد در شعرهای آزاد اخوان، مطابق این مبانی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

مبانی پژوهش

تعریف تحلیل محتوا

از میان انبوه تعریف‌های تحلیل محتوا دو تعریف، به جریان‌سازی انجامیده‌اند و بقیه، در ضمن همین دو تعریف قرار می‌گیرند:

الف) تعریف اول

در این تعریف، تحلیل محتوا عبارت است از تحلیل عینی، منتظم و کمی محتوای آشکار پیام. این تعریف، پس از گذران چند دهه کار عملی صاحب‌نظران علوم ارتباطات راجع به تحلیل محتوا، توسط برنارد برلسون، مطرح شد، چنان که او، تحلیل محتوا را صراحتاً یک روش پژوهش برای «توصیف عینی، سیستماتیک و کمی محتوای آشکار پیام» تعریف کرد (ر.ک: کریپندورف، ۱۳۸۳: ۲۶). تعریف هارولد لاسول، در همین رده می‌گنجد: «تحلیل محتوا تکنیکی است که هدف آن عبارت است از توصیف آنچه در یک زمان و یک مکان معین دربارهٔ محتوای معین گفته می‌شود با حداکثر عینیت، دقت و عمومیت ممکن» (محمدی مهر، ۱۳۸۹: ۲۶).

ب) تعریف دوم

طی دهه‌های اخیر صاحب‌نظران پی بردند، مؤلفه‌های «کمی» و «آشکار» برای روش تحلیل محتوا محدودیت‌زاست و چه بسا لازم باشد این روش با رویکرد کیفی، افزون بر محتوای آشکار، به محتوای پنهان پیام پردازد. بر این پایه کم‌کم تعریف‌هایی از روش تحلیل محتوا پدید آمدند که کوشیده‌اند دو مؤلفه مذکور را از گردونهٔ مشخصات ممیز این روش تحلیل خارج سازند. برای نمونه ال. آر. هولستی روش تحلیل محتوا را تکنیکی عینی و نظام‌مند برای استنباط پیام‌های موجود در یک متن می‌داند (ر.ک: هولستی، ۱۳۷۳: ۱۴) و

مؤلفه‌ها کمی و آشکار را جزو مؤلفه‌های ضروری تعریف آن نمی‌شمارد. گفتنی است که مدافعان روش تحلیل محتوای کیفی، بیشتر به کاربرد این روش در «تحلیل‌های ادبی و سیاسی و قوم‌شناختی و مطالعات فرهنگی» گرایش دارند (ر.ک: عادل مهربان، ۱۳۹۴: ۷).

همچنین ناگفته نماند، امروزه صاحب‌نظران این حوزه، به تحلیل محتوای ترکیبی، یعنی کمی - کیفی بهای بیشتری می‌دهند. «ترکیب این دو روش که از دهه ۱۹۹۰ میلادی به عنوان یکی از پارادایم‌های مطرح فلسفی روش علوم اجتماعی صورت می‌گیرد، آغازگر مرحله نوین از توسعه روش در علوم اجتماعی بوده و با عنوان جنبش سوم روش‌شناسی مطرح شده است» (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۱: ۵۸ و ۵۹).

مباحث تحلیل محتوا

باری، در باب تحلیل محتوا بحث‌های مهمی درگرفته است و آنچه اکنون از این بحث‌ها به کار ما می‌آید، یکی بحث درباره رویکردهای تحلیل محتواست که آیا کمی باشد یا کیفی یا هر دو و آیا به محتوای آشکار پیام بپردازد یا به محتوای پنهان آن یا هر دو و آیا استقرایی پیش برود یا قیاسی یا هر دو (ر.ک: فلیک، ۱۳۸۷: ۳۷-۴۱ و ۳۴۷-۳۴۹؛ لاورنس نیومن، ۱۳۸۹: ۴۷۸/۱-۴۸۲؛ محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۰۱/۱-۱۰۳ و ۱۰۰/۲-۱۰۹؛ ناصری و فریرزی، ۱۳۹۰: ۸۹-۹۴؛ کرسول، ۱۳۹۴: ۵۷ و ۵۸؛ فیضی و پیشدار، ۱۳۹۴: ۱۹-۲۴) و دیگری بحث درباره مراحل آن است.

در باره مراحل تحلیل محتوا به دیدگاه‌های گوناگونی برمی‌خوریم که بیشتر شبیه همنند، ولی گاه نظم افزون‌تری دارند، چنان که کریپندورف، این مراحل را شامل شش مرحله می‌داند: «۱. طرح ۲. واحدبندی ۳. نمونه‌گیری ۴. رمزدهی ۵. استخراج نتایج ۶. معتبرسازی» (کریپندورف، ۱۳۷۳: ۴۹ و ۵۰). همچنین کل این مراحل را برای تحلیل محتوای کیفی، زیرمجموعه سه مرحله اصلی شمرده‌اند: «۱. آمادگی ۲. سازماندهی ۳. گزارش» (ر.ک: مؤمنی راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۹).

از جرح و تعدیل این دیدگاه‌ها، به ترتیب، مراحل هفتگانه تعیین طرح (هدف، مسئله، سؤالات، فرضیات، رویکردها)، تعیین واحد (واحد ثبت، واحد معنی، واحد زمینه)، تعیین

حیطه (جامعه آماری، نحوه نمونه گیری)، تعیین مقوله (مقوله بندی)، تعیین رمز (کدگذاری)، تعیین اعتبار (سنجش روایی و پایایی) و تعیین نتایج (تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری) فراهم می آیند.

بحث

تعیین طرح

چنان که گذشت، پژوهش حاضر با هدف تحلیل محتوای باور به معاد در شعرهای آزاد مهدی اخوان ثالث صورت گرفته است. باور به معاد، نه تنها از باورهای بنیادین دینی، بلکه از باورهای بنیادین بشری است و شکل بدوی آن، «به قدمت فرهنگ انسان، سابقه داشته است» (هیگ، ۱۳۷۶: ۲۹۵). کم و کیف این باور نزد معتقدان ادیان مختلف، تفاوت دارد و از باور به تناسخ و کرمه تا باور به قیامت و حشر را در برمی گیرد. آیین های برهما و بودا اصل تناسخ و کرمه را پذیرفته اند (ر.ک: ناس، ۱۳۵۴: ۱۰۵-۱۰۶ و ۱۳۰-۱۳۲).

در آیین زردشت، برزخ و داوری فردی و چینودپل یا همان صراط و بهشت و دوزخ و داوری جمعی و کیفر نهایی گناهکاران برای رهایی آنان از کدورت گناه و سرانجام، فرسکرد، طرحی روشن پیدا می کند (ر.ک: همان: ۳۱۰-۳۱۱؛ بهار، ۱۳۸۱: ۲۷۸-۳۳۹).

باور به معاد در تورات چندان روشن نیست و ظاهرا این اعتقاد ضمن تلمود، تحت تاثیر آیین زردشت پدید آمده است، تا جایی که یهود کم کم آن را از اصول دین دانستند (ر.ک: اعرابی و معظمی گودرزی، ۱۳۹۴: ۴۴-۵۳).

در آیین مسیح، معاد، بیشتر با وصف جسمانی مطرح می شود و همچنان جزو اصول دین قرار می گیرد (ر.ک: شریفی و دیگران ۱۳۹۴: ۲۴-۲۹).

آیین اسلام، باور به برزخ و نفخ صور و رستاخیز و صراط و بهشت و دوزخ را همچنان از اصول دین می شمارد (ر.ک: نمازی، ۱۳۹۰: ۹-۳۴۲) و حکمای مسلمان، آن را با طیف گرایش های کلامی و فلسفی و عرفانی به معاد جسمانی تا روحانی، مطرح می کنند (ر.ک: کرمانی، ۱۳۹۴: ۷-۲۳).

از دوره مشروطه در پی نفوذ تدریجی اندیشه های غربی، گرایش به دین میان روشنفکران

کم‌رنگ شد، تا جایی که محمدرضا شفیعی کدکنی با ذکر نمونه‌های ناباوری به معاد ضمن اشعار شاعران این دوره، تأکید می‌کند: «این که از ایرج در اینجا نقل شد یا آنچه از بهار نقل کردیم، بی‌گمان حاصل برخورد با جهان‌بینی غربی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۶۷-۶۸). با این حال، اخوان ثالث که جزو پیشگامان شعر نیمایی بود، در دوره حکومت پهلوی دوم کوشید به وسیله تلیف میان آیین زردشت و آیین مزدک، یک آیین ساختگی تحت عنوان آیین «مزدشتی» (ر.ک: همان، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۲) برای خود فراهم آورد و از این راه، اتکای خویش را به فرهنگ ایرانی نشان دهد. مزدک با وجود رویکرد اصلاح‌طلبانه اجتماعی، در اصول دین، پیرو آیین زردشت بوده است (ر.ک: برنا مقدم، بی‌تا: ۱۱۶؛ قدیانی، ۱۳۸۱: ۱۸۸) و بنابراین، نگاهش به معاد نیز نمی‌تواند جدا از باورهای این پیامبر ایرانی باشد. باید دید اخوان تا چه اندازه این نگاه را در دوره گسترش نفوذ فرهنگ غربی پاس داشته است.

بر این پایه، مسئله اصلی این پژوهش، چندوچون باور اخوان به معاد در روند شعرهای این شاعر و سؤالات ما هم از این قرار است:

- اخوان در کتاب‌های شعرش چه میزان به موضوع معاد توجه نشان داده است؟
 - نوع باور اخوان به این موضوع در هر کتاب شعر او چگونه بوده است؟
 - آیا تغییر معناداری در نوع باور اخوان به موضوع یادشده طی کتاب‌های شعر وی مشاهده می‌کنیم؟
- رویکردهایی که برای تحلیل محتوا برگزیده‌ایم، به اقتضای موضوع، رویکردهای ترکیبی، یعنی کمی - کیفی، با پرداختن به محتوای آشکار و پنهان متون مورد تحلیل و در عین حال استقرایی است.

تعیین واحد

واحد ثبت ما «کلمه»های مربوط به معاد، مانند بهشت و دوزخ و قیامت و مشتقات و معادل‌هایشان خواهد بود. این واحد ثبت را در واحد معنای «جزء شعر»ها و در واحد زمینه «کل شعر»ها مورد جستجو قرار می‌دهیم.

چند «کل شعر» نیز بدون کاربرد «کلمه»های معاد، به این موضوع مربوط می‌شوند که آن‌ها را هم از قبیل محتوای پنهان حساب می‌کنیم و در توضیحات و محاسبات می‌گنجانیم.

تعیین حیطه

جامعه آماری ما شعرهای آزاد اخوان، یعنی شعرهای نیمایی و سپید این شاعر است. البته اخوان، تعداد معدودی شعر سپید دارد که نشان می‌دهد در سرودن این نوع شعر جدی نبوده است. ضمناً از این‌رو شعرهای آزاد اخوان را برای تحلیل برگزیده‌ایم که اولاً شهرت این شاعر بیشتر از شعرهای نیمایی او، به عنوان بخش اصلی شعرهای آزاد وی، برخاسته است و ثانیاً طرفداران شعر آزاد معتقدند این نوع شعر، دست شاعر را در سرودن باز می‌گذارد و لذا آنچه ضمن آن می‌آید، طبیعی‌تر است (ر.ک: کریمی حکاک، ۱۳۸۴: ۴۲۲).

برای این منظور، همه شعرهای آزاد اخوان ثالث در هشت کتاب شعر «زمستان»، «آخر شاهنامه»، «از این اوستا»، «در حیات کوچک پاییز در زندان»، «زندگی می‌گوید اما باز باید زیست»، «دوزخ اما سرد»، «منظومه بلند سواحلی و خوزیات» و «سال دیگر ای دوست ای همسایه» بر اساس آخرین چاپ آن‌ها در اولین چاپ جمعی‌اشان تحت عنوان «متن کامل ده کتاب شعر مهدی اخوان ثالث (م. امید)» (۱۳۹۵) مورد تحلیل قرار می‌گیرند و ارجاعات ما به این چاپ صورت می‌پذیرد. ناگفته نماند که تمام شعرهای دو کتاب «ارغنون» و «تورا ای کهن بوم و بر دوست دارم» اخوان، در قالب‌های کلاسیک سروده شده‌اند و از حیطه تحلیل ما خارجند و لذا نام آن‌ها را ذکر نکردیم.

ذیلاً جدول آمار کل شعرها، شعرهای نیمایی، شعرهای سپید و مجموع و درصد آن‌ها را در هشت کتاب نامبرده می‌آوریم، اما پیشتر بگوییم اولاً پاره‌ای مشخصات این کتاب‌ها نیز برای بحث‌های بعدی، ضمن جدول می‌آید، ثانیاً در کتاب «در حیات کوچک پاییز در زندان» یک شعر نیمایی تکراری وجود دارد که محاسبه نشده است و ثالثاً کل کتاب «زندگی می‌گوید اما باز باید زیست» و منظومه سواحلی در کتاب «منظومه بلند سواحلی و خوزیات»، منظومه روایی بلند مرکب از بخش‌های مجزا و مرتبط نیمایی‌اند که هر بخش آن‌ها را شعری جداگانه حساب کرده‌ایم:

ردیف	کتاب	چاپ اول	تاریخ سرایش	کل شعرها	نیمایی	درصد	سپید	درصد
۱	زمستان	۱۳۳۵	۱۳۳۵-۱۳۳۰	۴۰	۲۱	۵۲/۵	-	-
۲	آخر شاهنامه	۱۳۳۸	۱۳۳۸-۱۳۳۵	۳۳	۲۳	۶۹/۶۹	۳	۹
۳	از این اوستا	۱۳۴۴	۱۳۴۳-۱۳۳۹	۲۵	۲۱	۸۴	-	-
۴	در حیات کوچک پاییز در زندان	۱۳۵۵	۱۳۴۷-۱۳۴۵	۲۱	۱۷	۸۰/۹۵	-	-
۵	زندگی می‌گوید اما باز باید زیست	۱۳۵۷	۱۳۴۶	۱۹	۱۹	۱۰۰	-	-
۶	دوزخ اما سرد	۱۳۵۷	نامشخص و فقط یک شعر آن تاریخ دارد ۱۳۵۱	۳۶	۹	۲۵	۱	۲/۷۷
۷	منظومه بلند سواحلی و خوزیات	۱۳۸۱	تخمیناً ۴۹-۵۳	۱۷	۱۷	۱۰۰	-	-
۸	سال دیگر ای دوست ای همسایه	۱۳۹۳	یک شعر ۱۳۴۹ و بقیه ۱۳۶۹-۱۳۵۷ و گاه بدون تاریخ	۱۰۶	۲۶	۲۴/۵۲	۱	۰/۹۴
۹	مجموع			۲۹۷	۱۵۳	۵۱/۶۸	۵	۱/۶۸

بدین گونه، جمع شعرهای آزاد (نیمایی و سپید) ضمن کتاب‌های هشتگانه نامبرده، از مجموع ۲۹۷ شعر، ۱۵۸ شعر، یعنی ۵۳/۱۹ درصد است و این در حالی است که چهارپاره‌ها را جزو شعرهای آزاد نگرفته‌ایم.

تعیین مقوله

استقرای شعرهای آزاد اخوان درباره معاد، نشان داد که ضمن این شعرها با مقوله‌ها و

زیرمقوله‌هایی به این شرح مواجهیم:

مقوله	زیرمقوله‌ها	مقوله	زیرمقوله‌ها
تشبیه	تشبیه به وعد تشبیه به وعید تشبیه به قیامت	تشکیک	تشکیک نسبت به قیامت
تکذیب	تکذیب وعد تکذیب وعید تکذیب قیامت	متفرقه	متفرقه راجع به وعید متفرقه راجع به قیامت
تصدیق	تصدیق وعد تصدیق قیامت		

در این مقوله‌بندی منظور از تشبیه، هم صورت بیانی «تشبیه» و هم صورت بیانی «مجاز به علاقه مشابَهت» یا همان «استعاره» است.

تعیین رمز

از آنجا که شمار متون مورد تحلیل ما زیاد نبود، کار کدگذاری به صورت دستی روی برگه پیش رفت. شرح ماقوع بر اساس کتاب‌های هشتگانه شعرهای آزاد اخوان ثالث چنین است و برداشت‌هایمان را از محتوای پنهان نمونه‌ها، بین [] قرار می‌دهیم یا در توضیحات می‌آوریم:

زمستان

۲۱ شعر نیمایی دارد. ضمن ۳ شعر نیمایی، یعنی ۱۴/۲۸ درصد شعرهای نیمایی و همین میزان شعرهای آزاد کتاب، کلمه‌های معاد، ۶ بار در ۵ جزء شعر آمده است و جدول آن‌ها به ترتیب مقوله‌بندی ما، از قرار زیر است:

محتوا	زیرمقوله
بهشت [طبیعت سبز] (۳۴۴ و همان) بهشت [رفاقت قدیم] (۳۸۷ و ۳۹۰)	تشبیه به وعد
دوزخ [غربت] (۴۰۸ و ۶۰۶)	تشبیه به وعید

افزون بر این، اخوان در ۱ کل شعر از زمره شعرهای مورد محاسبه تحت عنوان «پرنده‌ای در دوزخ» (۴۰۶-۴۰۸)، با همان محتوای «دوزخ [غربت]» از زیرمقوله تشبیه به وعید، یک پرنده را مجسم می‌سازد که از جایگاه امنش آمده است و اسیر دوزخ شهری مسموم و ویرانه شده است و پرهایش سوخته است، چنان که گویی شاعر در این شعر قصیده عینیّه ابن سینا را با شعر نیمایی و صبغه اجتماعی بازآفرینی می‌کند: «نگفتندش چو بیرون می‌کشاند از جایگاهش سر / که آنجا آتش و دود است... / پرید از جان‌پناش مرغک معصوم / درین مسموم شهر شوم... / چه گوید، با که گوید، آه / کز آن پرواز بی حاصل درین ویرانه مسموم / چو دوزخ شش جهت را چار عنصر، آتش و آتش / همه پره‌های پاکش سوخت / کجا باید فرود آید، پریشان مرغک معصوم؟» (همان).

آخر شاهنامه

۲۳ شعر نیمایی و ۳ شعر سپید و جمعاً ۲۶ شعر آزاد دارد. ضمن ۲ شعر نیمایی، یعنی ۸/۶۹ درصد شعرهای نیمایی و ۱ شعر سپید، یعنی ۳۳/۳۳ درصد شعرهای سپید و جمعاً ضمن ۳ شعر آزاد، یعنی ۱۱/۵۳ درصد شعرهای آزاد کتاب، کلمه‌های معاد ۴ بار در ۳ جزء شعر آمده است، مضافاً این که محتوای کل شعر سپید مورد اشاره و ۱ کل شعر نیمایی دیگر، به موضوع معاد ربط دارد:

محتوا	زیرمقوله
بهشت [معشوق زمینی] (۵۰۳) بهشت [شادی] (۵۶۵)	تشبیه به وعد
انکار بهشت [از زبان مردگان] (۵۲۷)	تکذیب وعد
انکار دوزخ [از زبان مردگان] (۵۲۷)	تکذیب وعید

چنان که گذشت، در «آخر شاهنامه»، ۱ کل شعر سپید مورد محاسبه (۵۲۶-۵۴۲)، با محتوای «انکار صریح آخرت به روایت مردگان» از زیرمقوله تکذیب قیامت و ۱ کل شعر نیمایی دیگر (۵۶۷-۵۶۹)، با محتوای «انکار تلویحی آخرت» از زیرمقوله تکذیب قیامت به موضوع معاد اختصاص یافته است.

شعر سپید اول، «پيامی از آن سوی پایان» (۵۲۶) نام دارد و شاعر ضمن آن، به روایت مردگان می‌گوید، آن سوی پایان، یعنی پس از مرگ، خبری نیست: «همه خبرها دروغ بود/ و همه آیاتی که از پیامبران بی‌شمار شنیده بودیم،/ بسان گام‌های بدرقه‌کنندگان تابوت/ از لب گور بیشتر آمدن نتوانستند» (۵۲۶). در ادامه این نیست‌انگاری، سطرهای پایانی شعر، با دم‌غنیمتی گره می‌خورد، چنان که گویی اندیشه خیام از شعر نیمایی سر برآورده است: «شاید همین از ما برای شما پیغامی باشد/ کاینجا نه میوه‌ای، نه گلی، هیچ هیچ هیچ/ تا پرکنید هرچه توانید و می‌توان/ زنبیل‌های نوبت خود را/ از هر گل و گیاه و میوه که می‌خواهید/ یک لحظه لحظه‌هاتان را تهی مگذارید/ و شاخه‌های عمرتان را ستاره‌باران کنید» (۵۳۲).

همچنین نام شعر نیمایی دوم، «خفتگان» (۵۶۷) است و تقریباً همین مضمون را بازمی‌گوید، ولی برعکس شعر پیشین، سراسر با نیست‌انگاری پیش می‌رود و در پایان نیز تعریضی اعتراض‌آمیز به خدا و پیامبرانش (ع) دارد: «یاد از او کردم که اینک سر کشیده زیر بال خاک و خاموشی/ پرده بسته بر حدیثش عنکبوت پیر و بی‌رحم فراموشی.../ و به دل زانبوه پیغام‌آوران هم غیبتی کردم/ خفتگان نقش قالی هم‌نوا با من/ می‌شنیدم کز خدا هم غیبتی کردند» (۵۶۸-۵۶۹).

از این اوستا

۲۱ شعر نیمایی دارد. ۱ کل شعر نیمایی، یعنی ۴/۷۶ درصد شعرهای نیمایی و همین میزان شعرهای آزاد کتاب، بدون کاربرد کلمه‌های معاد، به این محتوا اختصاص یافته است. همچنین ضمن ۱ شعر نیمایی، یعنی ۴/۷۶ درصد شعرهای نیمایی و همین میزان شعرهای آزاد کتاب، کلمه‌های معاد ۳ بار در ۲ جزء شعر آمده است:

محتوا	زیرمقوله
دوزخ [طبیعت استوایی] (۵۸۷) زمهریر [طبیعت قطبی] (همان)	تشبیه به وعید
[بازگشت ورجاوندان در روز] رستاخیز [برای از میان بردن دشمنان ایران] (همان)	تصدیق قیامت

۱ کل شعر نیمایی (۵۷۹-۵۸۰) که ذکرش گذشت، تحت عنوان «منزلی در دوردست» (۵۷۹) به محتوای «پرسش حقیقت‌جویانه» از زیرمقوله تصدیق وعد بازمی‌گردد و این‌گونه پیش می‌رود که ابتدا شاعر می‌پرسد: «منزلی در دوردستی هست بی‌شک هر مسافر را/ اینچنین دانسته بودم وینچنین دانم/ لیک/ ای ندانم چون و چند! ای دور! تو بسا کارآسته باشی به آیینی که دلخواه است/ کاش این را نیز می‌دانستم ای نشناخته منزل! که از این بیغوله تا آنجا کدامین راه/ یا کدام است آن که بیراه است؟» (۵۷۹) و بعد با اشاره به اختیاری نبودن این منزل و سؤال از خواسته‌های صاحب آن، با رویکرد دم‌غنیمتی می‌پرسد، آیا آنجا جامی و غمگساری وجود دارد؟ و سرانجام با رویکرد نیست‌انگاری، «آه» می‌کشد و تمام (۵۸۰).

در حیات کوچک پاییز در زندان

۱۷ شعر نیمایی دارد. ضمن ۴ شعر نیمایی، یعنی ۲۳/۵۲ درصد شعرهای نیمایی و همین میزان شعرهای آزاد کتاب، کلمه‌های معاد، ۶ بار در ۶ جزء شعر آمده است:

محتوا	زیرمقوله
بهشت [بارآور دست‌های زندانی قاتل] (۸۱۷) بهشت [معشوق زمینی] (۸۳۱) بهشت صبح (۸۸۰)	تشبیه به وعد
دوزخ [طبیعت مردادی] (۸۳۱) جهنم زندگی (۸۵۷) دوزخ زمین (۸۸۶)	تشبیه به وعید

زندگی می گوید اما باز باید زیست

۱۹ شعر نیمایی دارد. ضمن ۴ شعر نیمایی، یعنی ۲۱/۰۵ درصد شعرهای نیمایی و همین میزان شعرهای آزاد کتاب، کلمه‌های معاد، ۷ بار در ۶ جزء شعر آمده است:

محتوا	زیرمقوله
بهشت مهر و یکرنگی (۹۸۲) بهشت [هماغوشی] (۹۸۳ و همان) بهشت [نشنگی] (۹۹۳) حورعین [هروئین] (همان)	تشبیه به وعد
دوزخ [زنداد] (۹۸۷) دوزخ [خشم] (۱۰۲۱)	تشبیه به وعید

دوزخ اما سرد

۹ شعر نیمایی و ۱ شعر سپید و جمعاً ۱۰ شعر آزاد دارد. ضمن ۵ شعر نیمایی، یعنی ۵۵/۵۵ درصد شعرهای نیمایی و ۵۰ درصد شعرهای آزاد کتاب، کلمه‌های معاد ۱۳ بار در ۱۱ جزء شعر آمده است:

محتوا	زیرمقوله
بهشت آرزوها (۱۰۶۹) بهشت [معشوق زمینی] (۱۰۸۸ و ۱۱۰۷) حور [معشوق زمینی] (۱۰۸۸) بهشت عیش [کدخدایی (: دامادی)] (۱۱۳۶)	تشبیه به وعد
دوزخ [زندگی] (۱۰۶۷ و ۱۰۶۹ و ۱۱۳۶ و همان) دوزخ [طبیعت مردادی] (۱۰۸۸) دوزخ [تب] (۱۱۰۱) دوزخ [معشوق زمینی] (۱۱۰۷)	تشبیه به وعید
برزخ [دنیا] (۱۱۰۷)	تشبیه به قیامت

منظومه بلند سواحلی و خوزیات

۱۷ شعر نیمایی دارد. ضمن ۶ شعر نیمایی، یعنی ۳۵/۲۹ درصد اشعار نیمایی و همین میزان اشعار آزاد کتاب، ۱۴ بار در ۱۲ جزء شعر، کلمه‌های معاد آمده است:

محتوا	زیرمقوله
<p>بهشت قصر [زمینی به مزد قبول مذلت پیش سرمایه‌داران ستمکار] (۱۵۴۷)</p> <p>بهشت وقت (۱۵۵۲)</p> <p>بهشت گشت (همان)</p> <p>بهشت [رؤیای خوش] (همان)</p> <p>بهشت [شامگاهان جنوبی] (۱۵۶۵)</p> <p>بهشت زروان (۱۵۶۷)</p>	<p>تشبیه به وعد</p>
<p>دوزخ فضا [:(هوای جنوبی)] (۱۵۴۱)</p> <p>دوزخ [شب‌های جنوبی] (۱۵۶۷)</p> <p>دوزخ زروان (۱۵۶۷)</p> <p>زمهریر خاطر (۱۶۳۵)</p> <p>دوزخ یادها (همان)</p> <p>دوزخ [چاه‌های بدبوی نفت] (۱۶۳۹)</p>	<p>تشبیه به وعید</p>
<p>شور رستاخیز بر آوردن [از کسب ثروت و قدرت، به دلیل قبول مذلت پیش سرمایه‌داران ستمکار] (۱۵۴۳)</p> <p>دمیدن اسرافیل در شاخ نفیرش [برای مورد بالا] (۱۵۴۶)</p>	<p>متفرقه راجع به قیامت</p>

سال دیگر ای دوست ای همسایه

۲۶ شعر نیمایی و ۱ شعر سپید و جمعا ۲۷ شعر آزاد دارد. ضمن ۵ شعر نیمایی، یعنی ۱۹/۲۳

درصد شعرهای نیمایی و ۱۸/۵۱ درصد شعرهای آزاد کتاب، ۶ بار در ۵ جزء شعر، کلمه‌های معاد آمده است:

محتوا	زیرمقوله
باران بهشتی [وجود امام رضا(ع)] (۱۶۶۹) بهشت نیروانا (۱۶۷۱)	تشبیه به وعد
دوزخ ایام (۱۶۷۳)	تشبیه به وعید
پرسش معترضان در باره وجود فردا): قیامت (۱۶۷۵)	تشکیک نسبت به قیامت
جهنم [به عنوان شبه جمله عامیانه نفرین] (۱۷۶۳ و همان)	متفرقه راجع به وعید

همچنین اخوان در ۱ کل شعر نیمایی (۱۶۶۹-۱۶۷۰) از زمره شعرهای مورد محاسبه، بی آن که کلیتش موضوع معاد داشته باشد، با بزرگداشت امام علی بن موسی الرضا(ع)، نگاه نیست‌انگاران به مرگ را که پیشتر نمونه‌هایش آمد، کنار می‌گذارد: «ای علی موسی الرضا، ای پاکمرد یثربی در توس خوابیده/ من تو را بیدار می‌دانم/ زنده‌تر، روشن‌تر از خورشید عالمتاب/ از فروغ و فر شور و زندگی سرشار می‌دانم» (۱۶۶۹) و سرانجام، آن را با دعا به پایان می‌رساند: «چون پدرت این خسته دل‌زدانی دردی روان‌گش را/ یا علی موسی الرضا دریاب، درمان‌بخش/ یا علی موسی الرضا دریاب» (۱۶۷۰).

به‌طور کلی آمار کاربرد زیرمقوله‌ها در شعرهای آزاد اخوان ثالث عبارت است از: تشبیه به وعد، ۲۷ بار در ۲۳ جزء شعر، تشبیه به وعید، ۲۳ بار در ۲۰ جزء شعر و ۱ بار در ۱ کل شعر، تشبیه به قیامت، ۱ بار در ۱ جزء شعر، تکذیب وعد، ۱ بار و تکذیب وعید، ۱ بار، هر دو در ۱ جزء شعر، تکذیب قیامت، ۲ بار در ۲ کل شعر، تصدیق وعد، ۱ بار در ۱ کل شعر، تصدیق قیامت، ۱ بار در ۱ جزء شعر، تشکیک نسبت به قیامت، ۱ بار در ۱ جزء شعر، متفرقه راجع به وعید، ۲ بار در ۲ جزء شعر و متفرقه راجع به قیامت، ۲ بار در ۲ جزء شعر.

باری، ضمن ۱۵۳ شعر نیمایی و ۵ شعر سپید و جمعا ۱۵۸ شعر آزاد اخوان، ۵۹ بار در ۵۰ جزء شعر و ۴ بار در ۴ کل شعر و جمعا ۶۳ بار در ۳۳ شعر به موضوع معاد برمی‌خوریم و درصد شعرهای دارای موضوع معاد به نسبت شعرهای آزاد این شاعر، ۲۰/۸۸ است.

تعیین اعتبار

تحلیل‌گران برای سنجش پایایی و روایی تحلیل، کدگذاری نمونه‌ها را پنج بار از سر گرفتند و داده‌های هر پنج بار کدگذاری تغییر نیافتند، جز در موارد اندک که برای مثال، محتوای «دوزخ [غم]» با دقت چندباره به محتوای «دوزخ [خشم]» تغییر پذیرفت. ضریب همبستگی داده‌ها در این پنج بار کدگذاری، ۸۸/۲۲ درصد بود.

تعیین نتایج

میزان پرداختن اخوان ثالث به موضوع معاد، یعنی حدود ۲۱ درصد در ۱۵۸ شعر آزاد، حاکی از دین‌اندیشی این شاعر است.

با مشاهده دقیق داده‌های تحلیل نتیجه می‌گیریم که اخوان از ۶۳ بار پرداختن به موضوع معاد، در ۵۲ بار آن، عناصر اخروی وعد و وعید و قیامت را مشبه به پدیده‌های دنیوی قرار داده است و با این وصف، عموماً در این باره نگاه اخروی ندارد: «چاشتگاهی گرم بود و چون دم دیوان دوزخ، باد/ آن بهشت اما در آنجا بود/ تخته‌سنگی تکیه‌گاهش در پناه سایه بیدی/ او در آنجا بود و تنها بود/ من، پیاده گشته ناگشته/ بر زمین داغ، گامی هشته ناهشته/ دیدمش کز دور/ مثل چتری باز، باد افتاده در چادر سیاه آن زمینی حور» (۱۰۸۸).

می‌ماند ۱۱ بار دیگر که در آن‌ها رفتار دیگرگونه بروز می‌دهد. مهم‌ترین این رفتارها، ۱ بار تکذیب وعد و ۱ بار تکذیب وعید و ۲ بار تکذیب قیامت است که اساساً او را در ساحت دین‌اندیشی، از دینداری جدا می‌سازد. جا دارد مجدداً بخشی از شعر سپید وی را در این باره، به روایت مردگان بیاوریم: «اینجا که ماییم سرزمین سرد سکوت است/ بال‌هامان سوخته‌ست، لب‌هامان خاموش/ نه اشکی، نه لبخندی و نه حتی یادی از لب‌ها و چشم‌ها/ زیراک اینجا اقیانوسی‌ست که هر بدستی از سواحلش/ مصبی از رودهای بی‌زمان بودن

است/ وز آن پس، آرامش خفتار و خلوت نیستی/ همه خبرها دروغ بود/ و همه آیاتی که از پیامبران بی شمار شنیده بودیم/ بسان گام‌های بدرقه‌کنندگان تابوت/ از لب گور پیشتر آمدن نتوانستند/ باری، ازین گونه بود/ فرجام همه گناهان و بی‌گناهی/ نه پیشوازی بود و خوشامدی، نه چون و چرا بود/ و نه حتی بیداری پنداری که پرسد: کیست؟/ زیرا که اینجا سردستان سکون است/ در اقصی پرکنه‌های سکوت/ سوت، کور، برهوت» (۵۲۶-۵۳۷).

از ۷ بار دیگر، بجز ۲ مورد متفرقه راجع به وعید و ۲ مورد متفرقه راجع به قیامت که کاربردهای روزمره کلمه‌های معاد را با معانی ثانوی نشان می‌دهند:

۱ مورد در باره تصدیق و عهد همراه با دم‌غنیمتی است که همچنان رویکرد دنیاگرایانه دارد: «ای برایم نه به رایم ساخته منزل!/ نیز می‌دانستم این را کاش/ که به سوی تو چها می‌بایدم آورد؟/ دانم ای دور عزیز! این نیک می‌دانی/ من پیاده ناتوان، تو دور و دیگر وقت بیگاه است/ کاش می‌دانستم این را نیز/ که برای من تو در آنجا چها داری؟/ گاه کز شور و طرب خاطر شود سرشار/ می‌توانم دید/ از حریفان نازنینی که تواند جام زد بر جام/ تا از آن شادی به او سهمی توان بخشید؟/ شب که می‌آید چراغی هست؟/ من نمی‌گویم بهاران، شاخه گل در یکی گلدان/ یا چو ابر اندهان بارید، دل شد تیره و لبریز/ ز آشنایی غمگسار آنجا سراغی هست؟/ آه!» (۵۸۰).

۱ مورد نیز در باره تصدیق قیامت با اشاره به بازگشت و رجاوندان برای نابودی دشمنان ایران است که ضمن آن باز، کارکرد دنیوی این باور را مورد توجه قرار داده است؛ هرچند علی‌الظاهر نشان از نگاه زردشتی راجع به ظهور سوشیانس در روز رستاخیز (ر.ک: هینلز، ۱۳۶۸: ۱۰۹-۱۱۰) دارد: «نشانی‌ها که می‌بینم در او بهرام را ماند/ همان بهرام و رجاوند/ که پیش از روز رستاخیز خواهد خاست/ هزاران کار خواهد کرد نام‌آور/ هزاران طرفه خواهد زاد از او بشکوه/ پس از او گیو بن گودرز/ و با وی توس بن نوذر/ و گرشاسب دلیر، آن شیر گندآور/ و آن دیگر/ و آن دیگر/ انیران را فروکوبند، وین اهریمنی ریات را بر خاک اندازند/ بسوزند آنچه ناپاکی‌ست، ناخوبی‌ست/ پریشان‌شهر ویران را دگر سازند/ درفش کاویان را، فرّه در سایه‌ش/ غبار سالیان از چهره بزدایند/ برافرازند» (۵۸۷-۵۸۸).

و سرانجام، ۱ مورد هم دربارهٔ تشکیک نسبت به قیامت است که از قضا ضمن شعرهای کتاب آخر اخوان با تاریخ سرایش ۱۳۶۲ آمده است و همین نکته نشان می‌دهد که او تا پایان بر همان باور اول بوده است: «کنون اما چه پاییزی / چه باد سرد نامردی / چه دنیای غم‌نگیزی / خدایا این چه دنیایی ست؟ / چه غمگین سرنوشت وحشت‌آکندی / بگو با من چه سرّی و چه سودایی ست؟ / و می‌خواهم بدانم نیز / پس از امروز آیا باز، فردایی ست؟» (۱۶۷۵).

بجاست این نکته را بر نکات بالا بیفزاییم که آنچه گذشت، فقط بر اساس جامعه آماری مورد تحلیل بود و ممکن است شعرهای دیگر اخوان، مرز این استنباطها را تغییر دهند.

نتیجه‌گیری

رابطهٔ متقابل جامعه و ادبیات از موضوعات مورد توجه نقد ادبی است. این موضوع در قرن نوزدهم به طور تخصصی مورد توجه قرار گرفت و تا امروز زمینه‌ساز کوشش‌های چندی برای نقد متون ادبی بوده است. طی یک مرور گذرا، شاخه‌های گوناگون نقد مارکسیستی، نقد فمینیستی، تحلیل گفتمان انتقادی و مطالعات فرهنگی که به هرحال، سویه‌ای از سویه‌های اجتماعی آثار ادبی را وامی‌کاوند، ضمن این دست کوشش‌ها می‌گنجند. آنچه در این میان، برای ادبیات‌شناسان چندان شناخته نیست، روش «تحلیل محتوا» است که همچنان با علوم اجتماعی ارتباط دارد و به دلیل جنبهٔ روش‌شناسانهٔ آن، در علوم انسانی نیز شایان کاربرد است. نظریه‌پردازان علوم اجتماعی، به‌ویژه صاحب‌نظران علوم ارتباطات تا کنون طی آثار متعدد، جوانب متنوع این روش را برای مهندسی دقیق تحلیل متون و اسناد، به‌خصوص متون و اسناد رسانه‌ای، با تمرکز بر پیام آن‌ها کاویده‌اند، تا جایی که امروزه این روش، از پشتوانه‌های نظری محکم و در عین حال، قابل اصلاح و تکمیل و توسعه هم برخوردار است.

مقاله حاضر کوشید روش تحلیل محتوا را برای نقد متون ادبی به کار ببرد. موضوع انتخابی این مقاله، یک موضوع فرهنگی - دینی بود. چنین موضوعی را از این‌رو برگزیدیم تا مفهوم اصطلاحی «محتوا» در روش تحلیل محتوا که همهٔ محتواهای فیزیکی و خط‌شناختی

و زبان‌شناختی و بلاغی و شکلی و ساختاری و مایگانی و تأویلی و نشانه‌شناختی و معناشناختی و کاربردشناختی و گفتمانی و گونه‌شناختی متون را شامل می‌شود، از مفهوم واژگانی آن (ر.ک: دهخدا: محتوا) چندان دور نیفتد. برای این منظور، موضوع جزئی باور به معاد در شعرهای آزاد مهدی اخوان ثالث را انتخاب کردیم. نتایج این کوشش نشان داد:

از تحلیل محتوای شعرهای آزاد اخوان، با وجود آمار نسبتاً زیاد کاربرد کلمه‌های معاد در این شعرها، چیزی جز نگاه دنیوی و گاه تشکیک‌آمیز و حتی تکذیب‌آمیز به این باور دیرین کمتر دستگیر می‌شود و بر این پایه جا دارد تأکید کنیم که دین‌اندیشی مفروض این شاعر، تا حد دینداری پیش نمی‌رود.

نکته مهم این که ضمن دیدگاه‌های اخوان راجع به معاد، با تلفیق اندیشه‌های ناسیونالیستی و سوسیالیستی و لایستی و این دست اندیشه‌های وارداتی مواجهیم که تنها تمایزشان در شعرهای این شاعر، پوشش ایرانی آن‌هاست. این پوشش عمدتاً از طریق باستانگرایی مزدشتی و دم‌غنیمتی خیامی و مانند آن‌ها پدید آمده است.

با این همه، چنان که دیدیم، در شعرهای مورد تحلیل اخوان، گهگاه کورسویی از تصدیق یا حتی تشکیک آمیخته به تصدیق معاد، یافتنی است. همچنین اصولاً تشبیهات متعدد و متنوع امور دنیوی به عناصر اخروی در شعرهای او نشان‌دهنده نهادینه بودن معاداندیشی در وجود وی است و این نکته جای واکاوی تاریخی و روان‌شناختی و جامعه‌شناختی دارد.

منابع

کتاب‌ها

- اخوان ثالث، مهدی (م. امید) (۱۳۳۵) زمستان، چاپ اول، تهران: زمان.
- اخوان ثالث، مهدی (م. امید) (۱۳۳۸) آخر شاهنامه، چاپ اول، تهران: زمان.
- اخوان ثالث، مهدی (م. امید) (۱۳۵۵) در حیات کوچک پاییز در زندان، چاپ اول، تهران: توس.
- اخوان ثالث، مهدی (م. امید) (۱۳۵۷) دوزخ اما سرد، چاپ اول، تهران: توکا.
- اخوان ثالث، مهدی (م. امید) (۱۳۵۷) زندگی می‌گوید اما باز باید زیست، چاپ اول، تهران: توکا.
- اخوان ثالث، مهدی (م. امید) (۱۳۸۲) منظومه بلند سواحلی و خوزیات، چاپ اول، تهران: زمستان.
- اخوان ثالث، مهدی (م. امید) (۱۳۹۳) سال دیگر ای دوست ای همسایه، چاپ اول، تهران: زمستان.
- اخوان ثالث، مهدی (م. امید) (۱۳۹۵) متن کامل ده کتاب شعر مهدی اخوان ثالث (م. امید)، چاپ اول، تهران: زمستان.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۱) پژوهشی در اساطیر ایران، ویراستار: کتابون مزداپور، چاپ چهارم، تهران: آگه.
- برنا مقدم (م. پرمون)، محمد (بی‌تا) درآمدی بر سیر اندیشه در ایران؛ مانی - مزدک، چاپ دوم، آلمان غربی: نوید.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغتنامه، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰) با چراغ و آینه؛ در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر فارسی، چاپ سوم، تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۴) حالات و مقامات م. امید، چاپ چهارم، تهران: سخن.
- عادل مهربان، مرضیه (۱۳۹۴) مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش، ویراستار: مهري دوستي ایراني، بی چا، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان.

- فلیک، اووه (۱۳۸۷) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- فیضی، کامران و پیشدار، مهسا (۱۳۹۴) تحلیل محتوای کاربردی، چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۱) تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، چاپ اول، تهران: فرهنگ مکتوب.
- کرسول، جان دلبیو (۱۳۹۴) طراحی پژوهشی: رویکردهای کمی، کیفی و روش‌های ترکیبی، مترجمان: مجید خورشیدی و فخرالدین سلطانی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- کریپندورف، کلوس (۱۳۸۳) تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی، مترجم: هوشنگ ناییبی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- کریمی حکاک، احمد (۱۳۸۴) طلیعه تجدد در شعر فارسی، ترجمه مسعود جعفری، چاپ اول، تهران: مرواید.
- لاورنس نیومن، ویلیام (۱۳۸۹) شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی (۲ جلدی)، برگردان: حسن دانایی فرد و سیدحسین کاظمی، چاپ اول، تهران: موسسه کتاب مهربان‌نشر.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰) روش‌های تحقیق کیفی ضد روش (۲ جلدی)، چاپ اول، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدی مهر، غلامرضا (۱۳۸۹) روش تحلیل محتوا؛ راهنمای عملی تحقیق، چاپ دوم، تهران: دانش‌نگار.
- ناس، جان (۱۳۵۴) تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت، چاپ سوم، تهران: پیروز و فرانکلین.
- ناصری، نازیاسادات و فریبرز، الهام (۱۳۹۰) روش تحلیل محتوا، چاپ اول، مشهد: تمرین.
- نمازی، عبدالنبی (۱۳۹۰) معاد از دیدگاه قرآن و روایات، چاپ دوم، قم: تحسین.
- هولستی، ال. آر. (۱۳۷۳) تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

- هیک، جان (۱۳۷۶) فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، چاپ اول، تهران: الهدی.
- هینلز، جان (۱۳۶۸) شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ اول، تهران: کتابسرای بابل و چشمه.

مقاله‌ها

- اعرابی، غلامحسین و معظمی گودرزی، محمد (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی معاد در کتب اوستا، عهدین، تلمود و قرآن کریم با تأکید بر اوصاف و ویژگی‌های های بهشت، پژوهش دینی، شماره ۳۰، بهار و تابستان، صص ۳۹-۵۷.
- بادلو، الهام و دیگران (۱۳۹۷) بررسی مؤلفه‌های اعتقادی در اشعار مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو از دریچه نظریه بینامتنیت، پژوهش‌های اعتقادی- کلامی، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز، ۵۱ صص-۷۲.
- شریفی، عنایت‌الله و دیگران (۱۳۹۴) معاد جسمانی در قرآن و عهدین، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ششم، شماره ۲۱، تابستان، صص ۷-۴۱.
- قانادی، محمدرضا و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵) روش تحلیل محتوا از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال هفتم، شماره ۲۳، بهار، صص ۵۷-۸۲.
- کرمانی، علیرضا (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی معاد، در عرفان، فلسفه و کلام، معرفت کلامی، سال ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۷-۲۶.
- کریپندورف، کلوس (۱۳۷۳) آموزش: تجزیه و تحلیل محتوا، رسانه، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان، ۴۶ صص-۵۰.
- مؤمنی راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم؛ مزینی، ناصر (۱۳۹۲) تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج، اندازه‌گیری تربیتی، سال چهارم، شماره ۱۴، زمستان، صص ۱۸۷-۲۲۲.

References:

Books

- Third Brotherhood, Mehdi (M. Omid) (1956) **Winter**, First Edition, Tehran: Zaman.

- Third Brotherhood, Mehdi (M. Omid) (1959) **The end of Shahnameh**, first edition, Tehran: Zaman.
- The Third Brotherhood, Mehdi (M. Omid) (1976) **in the Small Autumn Yard in Prison**, First Edition, Tehran: Toos.
- Third Brotherhood, Mehdi (M. Omid) (1978) **Hell but Cold**, First Edition, Tehran: Touka.
- The Third Brotherhood, Mehdi (M. Omid) (1978) **Says Life But Must Live Again**, First Edition, Tehran: Touka.
- Akhavan Sales, Mehdi (M. Omid) (2003) **Long Coastal System and Khoziat**, First Edition, Tehran: Winter.
- The Third Brotherhood, Mehdi (M. Omid) (2014) **Another Year of a Neighbor Friend**, First Edition, Tehran: Winter.
- Third Brotherhood, Mehdi (M. Omid) (2016) **Full text of ten books of poetry by Mehdi Akhavan Sales** (M. Omid), first edition, Tehran: Winter.
- Bahar, Mehrdad (2002) **A Research in Iranian Mythology**, Editor: Katayoun Mazdapour, Fourth Edition, Tehran: Ad.
- Borna Moghadam (M. Permon), Mohammad (Bita) **Introduction to the course of thought in Iran**; Mani-Mazdak, Second Edition, West Germany: Navid.
- Dekhoda, Ali Akbar (1998) **Dictionary**, Second Edition, Tehran: University of Tehran.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (2011) **with lights and mirrors; In Search of the Roots of the Evolution of Contemporary Persian Poetry**, Third Edition, Tehran: Sokhan.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (2015) **Cases and officials M. Omid**, fourth edition, Tehran: Sokhan.
- Adel Mehraban, Marzieh (2015) **A Review of Qualitative Content Analysis and Its Application in Research**, Editor: Mehri Doosti Irani, Bi Cha, Isfahan: Isfahan University of Medical Sciences and Health Services.
- Flick, Oveh (2008) **An Introduction to Qualitative Research**, translated by Hadi Jalili, Second Edition, Tehran: Ney Publishing.

- Feizi, Kamran and Pishdar, Mahsa (2015) **Applied Content Analysis**, First Edition, Tehran: Allameh Tabatabai University.
- Ghadyani, Abbas (2002) **History of Religions and Beliefs in Iran**, First Edition, Tehran: Written Culture.
- Creswell, John W. (2015) **Research Design: Quantitative, Qualitative Approaches and Combined Methods**, Translators: Majid Khorshidi and Fakhreddin Soltani, First Edition, Tehran: Jihad University Institute of Humanities and Social Studies.
- Krippendorff, Kloss (2004) **Content Analysis: Fundamentals of Methodology**, Translator: Houshang Naebi, Second Edition, Tehran: Ney Publishing.
- Karimi Hakak, Ahmad (2005) **The Beginning of Modernity in Persian Poetry**, translated by Massoud Jafari, first edition, Tehran: Morvayd.
- Lawrence Newman, William (2010) **Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches** (2 volumes), Translated by Hassan Danaeifard and Seyed Hossein Kazemi, First Edition, Tehran: Mehraban Book Institute.
- Mohammadpour, Ahmad (2011) **Anti-Method Qualitative Research Methods** (2 volumes), First Edition, Tehran: Sociologists.
- Mohammadi Mehr, Gholamreza (2010) **Content Analysis Method; Practical Guide to Research**, Second Edition, Tehran: Daneshnegar.
- Nas, Jan (1975) **Comprehensive History of Religions**, translated by Ali Asghar Hekmat, third edition, Tehran: Pirooz and Franklin.
- Naseri, Naziasadat and Fariborzi, Elham (2011) **Content Analysis Method**, First Edition, Mashhad: Exercise.
- Namazi, Abdolnabi (2011) **Resurrection from the perspective of Quran and narrations**, second edition, Qom: Tahsin.
- Holstie, L .; R. (1994) **Content Analysis in Social Sciences and Humanities**, Translated by Nader Salarzadeh Amiri, First Edition, Tehran: Allameh Tabatabai University Press.

- Hick, John (1997) **Philosophy of Religion**, translated by Behzad Saleki, first edition, Tehran: Al-Huda.
- Hinels, John (1989) **Understanding Iranian Mythology**, translated by Jaleh Amoozgar and Ahmad Tafzali, first edition, Tehran: Babol and Cheshmeh Library.

Articles

- Arabi, Gholam Hossein and Moazami Goodarzi, Mohammad (2015) **A Comparative Study of the Resurrection in the Avesta, Testaments, Talmud and Holy Quran with Emphasis on the Attributes and Characteristics of Paradise**, Religious Research, No. 30, Spring and Summer, pp. 39-57.
- Badloo, Elham et al. (2015) **A Study of Belief Components in the Poems of Mehdi Akhavan Sales and Ahmad Shamloo through the Perspective of Intertextuality Theory**, Doctrinal-Theological Research, Volume 8, Number 31, Autumn, 51, pp. 72.
- Sharifi, Inayatullah et al. (2015) **Physical Resurrection in the Qur'an and the Testaments**, Journal of Quranic Knowledge, Year 6, Issue 21, Summer, pp. 7-41.
- Ghaedi, Mohammad Reza and Golshani, Alireza (2016) **Methods of content analysis from quantitative to qualitative**, methods and psychological models, seventh year, No. 23, Spring, pp. 57-82.
- Kermani, Alireza (2015) **A Comparative Study of the Resurrection, in Mysticism, Philosophy and Theology**, Theological Knowledge, Year 6, Number 2, Autumn and Winter, pp. 7-26.
- Krippendorff, Kloss (1994) **Education: Content Analysis**, Media, Fifth Year, Fourth Issue, Winter, 46 pp. -50.
- Momeni Rad, Akbar; Aliabadi, Khadijeh; Fardanesh, Hashem; Mozini, Nasser (2013) **Qualitative content analysis in the research ritual: nature, stages and validity of results**, educational measurement, fourth year, number 14, winter, pp. 187-222.

Analysis of the Content of Belief in Resurrection in Free Poems by Mahdi Akhavan Sales

Masoumeh Sadat Mirjafari¹, Dr. Alireza Fouladi²

Abstract

under the influence of the Western culture, modern contemporary poet, Mahdi Akhavan Salis, tried pay attention to Iranian culture and, to this end, tried to create a reconciliation of Zoroaster's personal and charitable tendencies, social orientations, and justice-seeking. The present article tries to answer the question of the extent of his beliefs in the afterworld, using exact qualitative content analysis. The aim was to see whether in his belief in resurrection, Akhavan Salis proceeded to the same extent as the ancient Iranians? According to the scholars' view, Mazdak has been a follower of the Zoroastrian religion in terms of the principles of theology. In this tradition, the divine and individual judgment and the Chinadopal, the same path, paradise and hell, and collective judgment, and the ultimate punishment of the sinners to free them from the oppression of sin, and finally, The scarlet has a clear plan. This article Finally, it concludes that 153 semi poetry and 5 white poems have been released, and in total 158 free verses of the Brotherhood, 59 times in 50 poetry and 4 times in 4 poems, and 63 times in total 33 poems related to resurrection, and the percentage of poems related to resurrection The poet's poetry ratio is 88/20. However, concludes that his view of the resurrection, in his free poems, is more of a gloomy, sometimes mocking and even libelous, nature and, therefore , does not coincide with the resurrection of the ancient Persians or any other belief in the resurrection.

Key Words: Content Analysis, Contemporary Persian Poetry, Mahdi Akhavan Sales, Free Poetry, Resurrection.

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran. m.mirjafare@gmail.com

² . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran. (Responsible author) fouladi@mail.kashanu.ac.ir